

فقط در جمهوری اسلامی میتواند اتفاق بیفتد!

در خبر ها آمده بود که فردی در حین اجرای حکم اعدام یعنی همانجا که طناب دار تنگ و تنگ تر می شود. متهم تنگی نفس می گیرد، پیش چشمانش سیاه می شود. گردش خون بدنش از کار میافتد و تمرکز و حواس خود را بارامی از دست می دهد. توان نگهداری دمپائی هایش را ندارد و به آهستگی از پایش می افتند و ... بخشوده شده است.

بخشوده می شود زیرا که خانواده مقتول از خشونت رفته به فرزندشان بیزارند. اما شاهد خشونت از جنس دیگر هستند که قوانین بیرحمانه و انسان ستیزانه و پارینه سنگی جمهوری اسلامی به انحاء مختلف در ایران جاری می سازد. اگر چه خشونت در قبال فرزندشان از سوی متهم به قتل روا شده بود اما اینک و بر طبق قوانین موجود هم اولیای مقتول هستند که می توانند با اراده خود این خشونت پسین را مانع شوند و چه خوشا که چنین کردند و از تعداد سرسام آور اعدامیان در جمهوری اسلامی یکی کم شد.

مجازات اعدام انجام شد ولی اعدامی جان نداد. سیاه شد و به مرز خفگی رسید. دمپائی هایش هنوز بزمین نرسیدند. گردش تا حد شکستن پیچید و در میان زمین و هوا دست و پا زد. در انتها نیز همانطور که از تصویر پیداست، شوکه شد. این صحنه ها را تنها میتوان در جمهوری اسلامی مشاهده کرد همانطور که نمایش گردن زدن با شمشیر عربی را در عربستان سعودی میتوان دید. در حقیقت امر سناریوی آدمکشی در این نظام با زمینه چینی های متعدد و متنوعی همراه است.

اعدام علنی با وجود انگیزه های بسیار قوی رژیم در ایجاد رعب و وحشت اجتماعی اما وجوه تبلیغاتی دیگری را نیز در بر می گیرد. از جمله آنها شعارهای متعددی است که از زوایای مختلف قابل رویت است. در همین مراسم حاضران با شعار (قصاص تداوم زندگی است) روبرو می شوند. جایی دیگر نوشته شده (سرانجام قانون شکنی) گوشه ای دیگر این شعار را می بینیم (اجرای عدالت برابر است با ایجاد امنیت) .

بدین ترتیب قانون وحشیانه مجازات های اسلامی که نه رحم می شناسد و نه مروت! زمینه های تبلیغاتی برای تداوم این جنایت دولتی را تدارک می بیند. حال آنکه خانواده قربانی با اعلام بخشش خود و پرهیز از اعمال خشونت دست ردی به قوانین ارتجاعی قصاص حکومت می زنند.

جمهوری اسلامی در اشاعه خشونت در زندگی روزمره مردم کشورمان در جهان بی نمونه است. تا آنجا پیش میرود که کودکان را نیز در اجرای حکم وحشیانه اعدام جداسازی نمی کند. شاهدان مرگ و جنایات رژیم، خردسالانی که هنوز می بایستی دوران کودکی خود را بگذرانند و در پی تفریح، ورزش و دانش اندوزی باشند در کوچه و برزن به تماشای تقسیم مرگ و نیستی می نشینند و از همین سالها با خشونت و مرگ سیاه آشنائی پیدا می کنند.

با نگاهی به عکس قاتل پس از اعدام! میتوان به عمق این جنایت و خشونت علیه انسان ها پی برد. اوج تمایلات وحوش حاکم را دریافت و معنا و اهمیت گسترش مبارزه علیه حکم اعدام را بیشتر باز یافت.

زجر کش کردن انسان ها نیز تجری مولود نظام حاکم است. هر تنابنده ای برای خود مرگ سریع و در ارامش و بی درد آرزو می کند. در نظر بگیرید که چگونه اعدامی در هوا پا دوچرخه می زند و گردنش دراز می شود. پس از پائین کشیدن نیز از حال می رود و کشان کشان به بیمارستان و یا دوباره به زندان منتقل می شود.

بی تردید نهادینه کردن شعار لغو مجازات اعدام یکی از ارکان مطالبات عمومی مردم کشورمان خواهد بود و شکوفائی مبارزه با اعمال خشونت و نابودی انسان خواهد بود.

جنایت اخیر جمهوری اسلامی مبنی بر بالا کشیدن محکوم و سپس پائین آوردن او به درخواست خانواده مقتول تنها جنایت رژیم نیست. مجازات مرگ توسط استبداد حاکم در زمینه های متعدد دیگری نیز بوقوع می پیوندد. سنگسار زنان یکی از شنیع ترین رفتارهای اجتماعی است که در برابر زنان و برای ایجاد رعب و وحشت عمومی صورت می گیرد.

نظریه پراکنان نظام می گویند که اعدام و سنگسار و قطع دست و کشتن خطاکاران تنها راه پیشگیری از خشونت های اجتماعی است حال آنکه بررسی های آماری خلاف آنرا ثابت می کنند. بر طبق آمار کمترین زندانیان با جرایم عادی در کشورهای اروپائی قرار دارند و همانجا که مجازات اعدام از دیرباز لغو شده است.

وقت آن است که در برابر این اقدامات ارتجاعی جمهوری مرگ و جنایت اسلامی سنگر سازی کنیم و این سیاست ضد انسانی را در هر گام خود و در برابر افکار عمومی جهانیان رسوا نمائیم. تجربه نشان داده است که در برخی موارد اقدامات مشترک و وسیع جنبش ضد اعدام موفقیت هائی را در پی داشته است و اجرای احکام مقامات قضائی را حد اقل برای مدتهای طولانی به تعویق انداخته است. کارزارهای عمومی توانسته اند پیروزی هائی را نیز به ارمغان بیاورند. با گسترش و حمایت از آنها می توانیم در این اقدام انسانی برای لغو مجازات اعدام همراه باشیم.

مجازات مرگ و اعدام جنایتی است دولتی

بهروز سورن

Sooren001@yahoo.de